

مذاکرات علنی دادگاه اداری [پناهندگی]

باید بداند

از تجارب عملی نهادهای مشاوره پناهندگان

نوشته: خانم کرسٹین مولر، کولن (وکیل)

منبع: مجله «آزول ماگاتسین» [مجله پناهندگی]

شماره: ۵ سال ۲۰۰۵

www.asyl.net

ترجمه از ناصر ایرانپور

مترجم رسمی دادگاههای آلمان

Dipl.-Journ. **M.-NASSER IRANPOUR**

Adresse: Thielenstr. 44, 44369 Dortmund

Tel. 0231/31 61 17

Fax: 0231/189 39 97

Mobil: 0151/165 45 298

E-Mail: nasser-iranpour@t-online.de

کار بیشتر پناهجویانی که ما در امر دادرسی پناهندگی وکالت آنها را بر عهده داریم، به مذاکرات شفاهی در دادگاه اداری [Verwaltungsgericht] که در بین پناهندگان سهواً به «دادگاه پناهندگی» معروف است [می انجامد. این مذاکرات از خیلی لحاظ با مصاحبه اداره پذیرش پناهندگان (بوندس امت) تفاوت دارد. اما در هر دو مورد آمادگی خوب قبلی از اهمیت بسزایی برخوردار می باشد، که حالت ایده آل آن این است که وکیل مدافع با مددکار پناهندگی با هم همکاری نزدیکی داشته باشند.

یک: جلسه دادگاه کی تشکیل می گردد؟

۱. الزام قانونی تشکیل جلسه دادگاه حضوری

چنانچه درخواست پناهندگی فردی از طرف اداره فدرال پناهندگی رد شود و وی بر علیه حکم ردی این اداره اعتراض کند، اعتراض به دادگاه اداری ارسال می گردد، تا مورد بررسی قرار گیرد. چنانچه این اعتراض در دادگاه مزبور در حال بررسی باشد، علی الاصول باید جلسه حضوری دادگاه برگزار گردد. بسته به دادگاه اداری، فاصله زمانی بین ارائه اعتراض و تشکیل جلسه علنی دادگاه بسیار متفاوت است؛ گاهی چنین است که با نامه تأیید رسید اعتراض به دادگاه احضاریه ای هم برای روز معینی فرستاده خواهد شد، گاهی هم این امر دو سال یا بیشتر بطول می انجامد. اما با گذشت زمان مهلت انتظار به دلیل کاهش تعداد پناهجویان کوتاهتر می شود.

جلسه دادگاه علی القاعده حتی اگر پناهجو آنجا نباشد و یا پیدا نشود، اگر اداره پناهندگی درخواست پناهندگی را بعنوان «عملاً ناموجه» یا «آشکاراً بی پایه و اساس» (offensichtlich unbegründet) رد کند و چنانچه «تقاضای فوری» برای رد حکم اداره پناهندگی و فسخ حکم اخراج ناموفق باشد و یا چنانچه پناهجو به دلایلی یک نوع اقامت گرفته باشد، نیز باید برگزار شود.

۲. پس گرفتن اعتراض، حل و متوقف شدن آن

طبیعتاً پناهجو حق این را دارد، اعتراضش را پس بگیرد (البته با این پیامد که وی باید هزینه ها را بپردازد) و یا بگوید که نزاع حقوقی حل شده است. در این حالت دادگاه باید به تشخیص خود تصمیم بگیرد، تقبل هزینه ها را برعهده کی می گذارد. در این زمینه دادگاه در نظر می گیرد که چرا مسئله حل شده و فیصله پیدا کرده و در صورت ادامه آن چه کسی «برنده» می شد.

چنانچه پناهجو دیگر قابل دسترسی نباشد و یا در پروسه دادرسی پناهندگی همکاری لازم را نکند، دادگاه می تواند مضاف بر آن، مقرر پاراگراف ۸۱ قانون دادرسی پناهندگی را بکار ببندد که بر طبق آن اعتراضی «پس گرفته شده» محسوب می شود که معترض باوجود درخواست دادگاه به مدت یک ماه بطور فعال دنبال کار پناهندگی و اعتراض خود را نگیرد. اگر در پی درخواست پیگیری ای که دادگاه از معترض می کند، عکس العملی از طرف وی دیده نشود و یا ناکافی باشد، دادگاه قراری را صادر می کند و اطلاع می دهد که دادرسی متوقف گردیده است و معترض باید هزینه های دادرسی را بپردازد. چنانچه دادگاه به ناحق نتیجه گرفته باشد که شرایط کاربرد مقرر پاراگراف ۸۱ قانون دادرسی پناهندگی وجود دارند،

پناهجوی معترض باید درخواست ادامه دادرسی را بنماید. در چنین حالتی دادگاه باید جلسه دادگاه را تشکیل دهد، برای اینکه در درجه نخست بررسی کند که آیا شرایط اجرای پاراگراف ۸۱ قانون دادرسی پناهندگی واقعاً وجود دارند یا نه. اگر دادگاه به این استنتاج برسد که به ناحق این مقرر عملی گشته است، در جلسه در مورد محتوا و دلایل ارائه اعتراض نیز مذاکره می‌گردد.

۳. انصراف متقاضی و قرار دادگاه

بر طبق پاراگراف ۱۰۱ بند ۲ آئین‌نامه اداری آلمان، دادگاه اداری می‌تواند با توافق طرفین بدون مذاکرات شفاهی دادگاه تصمیم‌گیری کند. دادگاه همچنین می‌تواند بدون مذاکره شفاهی از طریق یک «ابلاغیه» (Gerichtsbescheid) بر اساس پاراگراف ۸۴ آئین‌نامه دادرسی اداری تصمیم بگیرد، چنانچه پرونده هیچ مشکلات حقوقی و موضوعی نداشته باشد. البته قبلاً باید طرفین، یعنی متقاضی، اداره پناهندگی و در صورت وجود نماینده ویژه دولت برای امور پناهندگی، وی نیز مورد استماع قرار گیرند که موافق این شیوه تصمیم‌گیری هستند یا نه. چون «ابلاغیه دادگاه» علی‌القاعده تنها زمانی موضوعیت پیدا می‌کند که موضوع قابل تصمیم‌گیری روشن باشد، باید خیلی دقیق در مورد این اندیشید که آیا بهتر است با این شیوه موافقت کرد یا نه. توصیه می‌شود که قبلاً با قاضی در این مورد صحبت شود، چنانچه مشخص نیست حاصل آن بطور قطع حکم مثبت برای پناهجو نمی‌باشد. در این گفتگو می‌توان از قاضی پرسید که آیا در پس این شیوه کار حکم مثبتی برای پناهجو خوابیده است و یا نه. چنانچه اطلاعاتی در این زمینه به این طریق کسب نگردد، می‌توان تصمیم‌گیری به شیوه «ابلاغیه دادگاه» را رد کرد. این امر همچنین زمانی صدق می‌کند، چنانچه این اعتقاد وجود داشته باشد، که تحقیقات و بررسیهای دیگری نیز لازم هستند و پناهجو باید یک بار دیگر مسائل خود را بیان نماید، چون اداره پناهندگی اظهارات ایشان را باور ننموده است. معمولاً دادگاه از تصمیم‌گیری به این شیوه دوری می‌جوید و موعدهی را برای جلسه شفاهی دادگاه معین می‌کند. چنانچه با این وجود «ابلاغیه» صادر کند، این «ابلاغیه» جایگاه و ارزش یک «حکم» (Gerichtsurteil) را دارد. البته معترض حق این را دارد که بین دو امکان یکی را انتخاب کند؛ یا در مهلت دو هفته پس از تحویل این «ابلاغیه» درخواست اجازه استیناف را بکند و یا درخواست تشکیل جلسه شفاهی دادگاه را بنماید. در اغلب موارد درخواست برگزاری جلسه علنی دادگاه انتخاب بهتری خواهد بود، مخصوصاً اگر اصولی باشد که درخواست تهیه اسناد و مدارک اثباتی و گزارش کارشناسی بشود و از این طریق قابل اعتماد بودن پناهجو نشان داده شود. در چنین صورتی دادگاه فدرال دادرسی را ادامه داده و جلسه شفاهی و علنی دادگاه تشکیل می‌گردد.

دو: چه اتفاقی در جلسه علنی دادگاه خواهد افتاد؟

- جلو در سالن جلسه دادگاه باید ورقه‌ای آویزان شده باشد که در آن نام طرفین (معترض، وکیل، مترجم) و قاضی یا قاضی‌های دادگاه برده شده باشند. طرفین به سالن فراخوانده می‌شوند. در سالن که گاهی یک اتاقک کوچکی بیش نیست، معمولاً افراد ذیل هستند:
- دادگاه: در پرونده‌های پناهندگی، دادگاه تقریباً همیشه از یک قاضی تشکیل می‌گردد؛ تنها در موارد بفرنج و در مواردی که در مورد مبانی و مسائل اساسی تصمیم گرفته می‌شوند، ممکن است که بررسی پرونده به کل شعبه دادگاه محول گردد. در چنین حالتی سه قاضی اصلی و دو قاضی افتخاری حضور خواهند داشت. بر عکس دادرسی پناهندگی در اداره پناهندگی، نمی‌توان در دادگاه در موارد تجاوزات جنسی به زنان اصرار نمود که قاضی حتماً باید زن باشد، چون شخص قاضی از طریق تقسیم کار داخلی دادگاه تعیین گردیده است.
- کارمند اسناد رسمی: چنانچه قاضی صورت جلسه را بلافاصله روی نوار ضبط نکند، کارمند اسناد رسمی حضور دارد، برای اینکه گفته‌ها را مستقیماً وارد کامپیوتر کند.
- مترجم: وی از طرف دادگاه تعیین و دعوت می‌شود. قاضی‌ها اغلب «مترجم مورد اعتماد خود» را دارند. البته این مسئله الزاماً به این معنی نیست که کیفیت ترجمه هم خوب خواهد بود. توانایی‌ها و اطلاعات مترجمین در مورد وظایفشان در این دادرسی‌ها خیلی با هم متفاوتند.
- پناهجو: چنانچه دادگاه دستور حضور وی را در جلسه دادگاه داده باشد، حضور وی الزامی است، در غیر این صورت ممکن است که وی جریمه گردد و بدون وی مذاکره صورت گیرد و حکم داده شود.
- وکیل حقوقی.

اداره پناهندگی تنها در موارد استثنائی در مذاکره شفاهی دادگاه حضور دارد (اینجا نیز بستگی به محل دادگاه دارد). اما اگر حضور یابد، خود تصمیم‌گیرنده یا صاحب‌گر اداره پناهندگی نیست که حضور می‌یابد، بلکه یکی از کارمند بخش پرونده‌های دادگاهی این اداره است که می‌آید. جلسه شفاهی علنی می‌باشد. این به این مفهوم است که هر کس که می‌خواهد می‌تواند به جلسه دادگاه بیاید و به اظهارات طرفین گوش فرا دهد. در موارد استثنائی دادگاه غیرعلنی اعلام می‌شود، مخصوصاً معترضینی که مبتلا به ویروس ایدز هستند و تمایل زیادی ندارند، در مورد بیماری خود گزارش دهند. در چنین حالتی می‌توان درخواست نمود که دادگاه غیرعلنی برگزار گردد. بسیاری اوقات خود متقاضیان پناهندگی آشنایان خود - مثلاً اعضای حزب خود - را با خود به دادگاه می‌آورند. این مسئله همیشه سودبخش نیست، چون پناهجو بدین وسیله خود را تحت فشار قرار می‌دهد، اطلاعاتی را بیان نسازند و غیره.

چنانچه پرونده از طرف شعبه مورد مذاکره قرار گیرد، رئیس شعبه است که دادگاه را هدایت می‌کند. این امر الزاماً به این معنی نیست که وی بوده که پرونده را مورد بررسی قرار داده است. (هنوز) رایج است که حاضرین بلند می‌شوند، آن گاه که قاضی داخل سالن دادگاه می‌شود. قاضی، دادگاه را می‌گشاید و حاضر و غایب بودن طرفین را مشخص می‌سازد. چنانچه مترجم بطور عمومی سوگند خورده نباشد، آنجا سوگند یاد می‌کند

که در هنگام آن همه حاضرین باید بلند شوند. پس از آن اشخاصی که به عنوان شاهد به دادگاه می آیند، باید سالن دادگاه را ترک کنند، برای اینکه متوجه نشوند که پناهجو چه می گوید. سپس قاضی گزارش موضوع را که شامل شمه‌ای از بیوگرافی، تاریخ ورود به آلمان، درخواست و محتوای مصاحبه پناهندگی، حکم ردی اداره پناهندگی، دلایل آن، اظهارات تائیدی پناهجو و یا وکیل آن در ارتباط با اعتراض به حکم اداره پناهندگی بشود که بعدها در حکم خود دادگاه هم تحت عنوان «گردش کار» (Tatbestand) دوباره خواهد آمد. این مسئله برای پناهجو این امکان را فراهم می‌سازد به خاطر بیاورد که قبلاً به ویژه در مصاحبه اداره پناهندگی چه گفته است. البته غالباً دیده شده که قاضی‌ها از کنار این قضیه به آسانی می‌گذرند و خیلی مواقع به وکیل و معترض توصیه نخواندن آن را می‌کنند و یا تنها تاریخها و داده‌های بسیار کلی را می‌خوانند، اگر چه امر دوباره خوانی موضوع مورد نزاع و مذاکره علی‌القاعده در خدمت این قرار دارد که مشخص گردد که در مورد چه چیزی مذاکره می‌گردد و بدین وسیله استماع حقوقی آن تضمین گردد. [این مسئله همچنین از این لحاظ هم حائز اهمیت است که در صورت قرائت سابقه پرونده، پناهجو و وکیل آن متوجه اشتباهاتی می‌شوند که در روند دادرسی پناهندگی روی داده‌اند، حال چه از لحاظ تاریخها، چه از لحاظ اصل مطالب توسط مصاحبه‌کننده اداره پناهندگی، مترجم، قاضی.] بسته به وضعیت پرونده باید در هر حال در مواردی قرائت گزارش موضوع را بر طبق پاراگرافهای ۱۰۳ بند ۲ آئین‌نامه دادگاههای اداری طلب نمود.

پس قاضی شروع به سوال کردن از پناهجو می‌کند. محتوای سوالات بسیار مختلف است: گاهی اوقات یک سوال کلی می‌شود که متقاضی چرا کشور خود را ترک نموده است. بعضاً سوالات مشخصی در مورد موضوعات معینی از پناهجو می‌شوند. بعضی از قاضی‌ها می‌گویند که آنها سوالی ندارند. قاضی باید به وکیل هم امکان بدهد که از حق سوال کردن خود بهره گیرد. وکیل بهتر است که پس از بحثها و اظهارات شاکی در مورد هر موضوع معین (حال این موضوع دلیل گریختن وی از کشور باشد، یا طریقه ترک کشور و آمدن به کشور میزبان و یا فعالیتهای خارج از کشور) بلافاصله و دقیقاً در مورد این موضوع از موکل خود سوال کند و نه در انتهای جلسه و پس از تمام شدن کل سوالهای قاضی که البته اغلب متأسفانه به این شیوه آخری عمل می‌شود.

تمام اظهارات طرفین و قاضی باید از طرف مترجم ترجمه شوند که مهمترین آن اظهارات پناهجو می‌باشد. آنها از طرف قاضی ضبط می‌شوند؛ آنچه که ضبط هم می‌شود باید ترجمه گردد، برای اینکه پناهجو بداند که آیا مطالبی را که وی گفته درست ترجمه یا برداشت شده‌اند.

چنانچه دادگاه شاهی را دعوت کرده باشد، وی مورد استماع قرار می‌گیرد، آن هم اگر دادگاه تشخیص دهد که پس از پرسشهای انجام شده از متقاضی ضروری و مهم می‌باشد. پس از اتمام سوالها ممکن است که درخواست طرح دلایل و تهیه مدارک اثباتی نمود که *Beweisantrag* نام دارد. بهتر این است که همچون تقاضاهایی نه بعنوان کمکی (*hilfsweise*)، [به این مفهوم که قاضی به تشخیص خود به آن ترتیب اثر دهد]، بلکه بطور غیرمشرط و قاطع ارائه شوند. قاضی در مورد چنین تقاضایی باید در خود دادگاه تصمیم بگیرد. وی برای اینکه تصمیمش را بگیرد، مذاکره و جلسه دادگاه را قطع نموده و به اطاقش می‌رود. اگر وی درخواست تهیه مدارک اثباتی را رد کند، وکیل پناهجو ممکن است نظریات مخالف (*Gegenvorstellung*) خود را در این ارتباط طرح نماید. اگر درخواست تهیه مدارک اثباتی پذیرفته شود، مرحله تهیه مدارک اثباتی (*Beweisaufnahme*) آغاز می‌شود. چنانچه این کار همان روز در خود دادگاه ممکن نباشد (مثلاً این کار از طریق بازپرسی و استماع شاهد یا شاهدان حاضر در دادگاه انجام تکمیل) ادامه جلسه دادگاه به موعد دیگری موکول می‌شود، برای اینکه تا آن زمان مدرک مورد نظر (مثلاً نظر کارشناس در مورد واقعیت داشتن موضوع طرح شده از طرف پناهجو و یا در مورد جعلی نبودن اسناد ارائه شده یا نظر پزشک متخصص در مورد بیماری وی یا روانشناس در مورد درستی اظهارات وی و از این قبیل) تهیه شود. در این حالت دادگاه موظف است، مذاکرات دادگاه را در یک زمان دیگری ادامه دهد.

قاضی باید بگوید که چه پرونده‌ها و منابعی (*Erkenntnismittel*) را مبنای تصمیم‌گیری و حکم خود قرار خواهد داد. بنابراین وی پرونده‌های موجود در اداره پناهندگی و گاهی اوقات پرونده موجود در اداره خارجی را وارد پرونده دادرسی می‌نماید و فهرست منابع و مأخذهایی را که قبلاً در اختیار وکیل پناهجو گذاشته (فهرست اسناد موجود در دادگاه در مورد کشور پناهجو) (*Erkenntnismittelliste*) موضوع دادرسی پناهندگی خواهد نمود. اینجا نباید تصور نمود که در مورد محتوای موضوع بحث می‌شود، بلکه قضیه یک تبیین و تشخیص رسمی و اداری است. علاوه بر این قاضی موظف است، شیوه عملکرد خود را چه از لحاظ حقوقی و چه از لحاظ موضوعی با وکیل پناهجو مورد بحث قرار دهد. اعتماد به نفس قاضی‌ها در این مورد خیلی متفاوت است: برخی از قاضی‌ها یک بحث حقوقی صریح و منصفانه را با وکیل پناهجو می‌سازند، در حالیکه برخی دیگر هر بحثی محتوایی را بلوکه و مسدود می‌سازند (مثلاً بخاطر ترس از درخواست جانبدار بودن و عدم صلاحیت وی (*Befangenheitsantrag*)). در انتهای جلسه تقاضاهای شاکی (پناهجو) و خواننده (اداره پناهندگی) طرح می‌گردند که می‌توانند مدلل نیز گردند. در خیلی از موارد شاکی باری دیگر فرصت و امکان این را خواهد یافت که آخرین حرفهای خود را بزند. در خاتمه مذاکره دادگاهی «بسته» می‌شود. قاضی در این مرحله می‌تواند، حکم را بلافاصله بدهد (*Stuhllurteil*) و یا در عرض دو هفته آینده حکم را اعلام کند. حضور طرفین هنگام اعلام حکم ممکن است، اما ضروری نیست. معمولاً چنین است که وکیل نتیجه مذاکرات (*Tenor*) را تلفنی از دفتر شعبه مربوطه دادگاه می‌پرسد و در اختیار پناهجو قرار می‌دهد. علاوه بر این ممکن است که قاضی حکم را با پست بفرستد (*zustellen*). قاضی باید در این حالت دست کم فرمول حکم خود را در عرض دو هفته پس از خاتمه مذاکره دادگاه به دفتر دادگاه تحویل داده باشد.

سوم: پناهجو چطور می‌تواند برای مذاکره شفاهی دادگاه آماده گردد؟

پناهجو باید در مورد روال دادگاه آگاهی داشته باشد. اگر وی بتواند با محیط دادگاه آشنا شود و در یک دادگاه هم بعنوان تماشاگر شرکت کند، کمک خوبی برای وی خواهد بود. چنانچه وی در شهری که در دادگاه در آن قرار دارد زندگی نمی‌کند، بهتر است که قبلاً اطلاعات لازم در مورد

چگونگی رفتن به آنجا و در صورت لزوم در مورد ماندن شب قبل از برگزاری دادگاه را کسب کند، برای اینکه مطمئن شود که سر وقت و موعد در جلسه دادگاه حاضر خواهد شد.

تمام اظهاراتی که پناهجو قرار است در دادگاه بنماید، باید قبلاً با وکیل چک و بررسی شوند. و این امر تنها شامل صورت جلسه مصاحبه اداره پناهندگی نمی‌شود، بلکه همچنین مکاتباتی که پس از آن در رابطه با درخواست پناهندگی وی بین وکیل و دادگاه انجام شده‌اند. مضاف بر این، وی باید بداند که اداره پناهندگی به چه دلیلی وی را رد نموده است. وی باید بداند که در صورت بیمار شدن ناگهانی اش حتماً سریع و بدون وقفه آن را به دادگاه و وکیل خود اطلاع داده و گواهی پزشکی مربوطه را برای دادگاه تهیه و به آن ارائه کند. در چنین حالتی باید درخواست به تعویق انداختن جلسه دادگاهی بشود. آنچه که در این ارتباط مهم است این است که گواهی عدم توانایی کار که معمولاً پزشکان هنگام بیماری صادر می‌کنند، برای دادگاه کافی نمی‌باشد!

پناهجو باید بداند که قاضی - به مانند تصمیم‌گیرنده اداره پناهندگی - غالباً اهمیت زیادی برای تاریخها می‌گذارد. زمان اتفاقات افتاده را می‌توان مثلاً از طریق ذکر فصل، یک روز تعطیلی و در صورت آمدن از مناطق روستایی از طریق ذکر این نکته که مثلاً وقت کاشت یا برداشت بود و اطلاعات مشابه مشخص تر و تشریح نمود. به ویژه چنانچه وی تاریخ رویدادی یادش نمی‌آید، باید تلاش کند با بیان این داده‌های زمانی توضیح دهد که حدوداً در چه زمانی اتفاق افتاده‌اند. وی همچنین باید سعی کند ترتیب زمان رویدادها را برای خودش مرور کند. چنانچه در کشور وی یک تاریخ دیگر وجود دارد و وی به آن احاطه و اشراف بیشتری دارد، بهتر است از آن در جلسه دادگاه بهره گیرد و نباید حاضر شود که از تاریخ گریگوریانی (میلادی) که به آن آشنایی کامل ندارد استفاده کند. به هر حال وی نباید سعی کند که گاهی این تاریخ [مثلاً شمسی] و گاهی آن تاریخ [مثلاً میلادی] را بکار ببندد، چون این مسئله می‌تواند منشأ اشتباهات بزرگی شود.

پناهجو باید بداند که گفته‌های وی تعیین‌کننده می‌باشند. معمولاً چنین است که وی مدارک و اسناد اثباتی در مورد آنچه که بر وی رفته است را در اختیار ندارد. بنابراین گفته‌های وی اهمیت درجه اول پیدا می‌کند و اینکه آیا وی قادر خواهد بود با این اظهارات قاضی را در مورد مسائل و رویدادهای برای وی اتفاق افتاده قانع کند یا نه. چنانچه در پی این صحبتها مشخص شود که وی از اتفاقات معینی برای نخستین بار در دادگاه سخن می‌گوید و قبلاً در مورد آنها چیزی نگفته است، باید روشن شود که وی چرا آنها را قبلاً و در پروسه تاکنونی پناهندگی ذکر ننموده است. پناهجو باید توضیحات لازم را در این مورد قبلاً به وکیل مدافعش داده باشد.

پناهجو باید همچنین در ارتباط با دلایل ردی اداره پناهندگی و تناقضاتی که وی در سخنان تاکنونی اش داشته با وکیل مشورت کند. چنانچه وکیل این برداشت را دارد که پناهجو در مصاحبه و روند تاکنونی دادرسی پناهندگی «چرت‌وپرت» تعریف کرده، باید آن را به وی به این صراحتی بگوید. باید به بهانه‌های کلی و همیشگی «مترجم مقصر است!» و «در کشور ما چنین است» با بدبینی تگرسته شود و مورد سوال واقع شوند.

چنانچه پناهجو در این مدت شاهدان بالقوه‌ای را پیدا کرده، باید نام و آدرس و محتوای موضوعی را که آنها قرار است در موردش شهادت بدهند، مشخص نماید. چنانچه پناهجو فعالیتهای سیاسی خارج از کشوری دارد، باید فهرستی از فعالیتهایش را که شامل اطلاعاتی در مورد تاریخ، محل و موضوع مراسم و همچنین نوع شرکت وی به همراه نام و آدرس یک شاهد را تهیه کند (در این مورد مراجعه کنید به مولر: «فعالیت‌های سیاسی خارج از کشور و اهمیت آنها در دادرسی پناهندگی»، مندرج در «مجله پناهندگی» («آزول ماگاتسین»)، شماره ۳، سال ۲۰۰۱، ص ۱۰).

چنانچه پناهجو تحت معالجه و درمان و مراقبت پزشکی باشد، باید یک گواهی جدید ضمیمه گردد که (دست کم) شامل تشخیص و توضیح بیماری، نوع معالجه و عواقب قطع این معالجه باشد. مخصوصاً در حالت بیماری روانی احکام دادگاههای آلمان گواهی پزشکی بسیار مفصل و دقیق را طلب می‌کنند. این گواهی باید شامل تشخیص واقعیات، موارد مورد پرسش و کندوکاو قرار گرفته و یک بحث و بررسی نقادانه قابل اعتماد و صحیح بودن یا نبودن اظهارات پناهجو باشد. چون در غیر اینصورت ممکن است که دادگاه گواهی ارائه شده را ناگویا و غیرقابل استناد ارزیابی کند و دنبال خطراتی که برای سلامتی پناهجو وجود داشته باشد را نگیرد.

باید برای پناهجو باری دیگر توضیح داده شود که وضعیت کلی سیاسی میهنش در پروسه دادگاهی تعیین‌کننده نیست. آنچه که در درجه نخست مهم می‌باشد این است که آیا اتفاقی برای شخص وی افتاده است و یا در صورت برگشتنش خواهد افتاد. وی باید بداند که ممکن است وکیل وی نیز در جلسه دادگاه از وی سوالاتی را بکند.

اگر وی فرزندان کوچکی را دارد، توصیه می‌گردد که آنها به جلسه دادگاهی آورده نشوند. خیلی مواقع باید زمانی را تا شروع جلسه دادگاه در دادگاه منتظر ماند: این زمان برای بچه خیلی خسته‌کننده خواهد بود که علاوه بر آن فشاری که بر والدین شان وارد است را نیز احساس می‌کنند. از طرفی دیگر والدین هم به دلیل حضور بچه‌ها در آنجا تمرکز و رشته افکار خود را از دست می‌دهند.

پناهجو نباید بگذارد که در جلسه مذاکرات دادگاه تحت فشار زمانی قرار گیرد، باید پس از چند جمله کوتاه (بهتر است حتی بعد از یک جمله) فرصت ترجمه آن را به مترجم بدهد و تأکید کند که تا جایی که ممکن است آنچه که وی می‌گوید باید بطور کامل صورت جلسه و ضبط شود.

چهار: هر مذاکره دادگاه چقدر هزینه برمی‌دارد؟

در دادرسی پناهندگی دادگاه هزینه‌ای دربر ندارد. البته هزینه‌های کارمزد وکیل بوجود می‌آیند. چنانچه پناهجو قرارهایی را حول کارمزد وکیل با ایشان گذاشته باشد، صورت حساب بر اساس این قرار و مدارها تنظیم می‌شود. در غیر اینصورت دستمزد وکیل بر مبنای «قانون کارمزد وکلای حقوقی» (Rechtsanwaltsvergütungsgesetz (RVG)) محاسبه می‌گردد. میزان آن ابتدا بر اساس «ارزش مادی موضوع و نزاع حقوقی» تعیین می‌شود. این میزان بستگی به تعداد شاکیان و همچنین به موضوع دادرسی دارد (ماده ۱۶ آ قانون

اساسی آلمان یا پاراگراف ۶۰ بند ۱ الی ۷ قانون اقامت) و برای هر نفر ۳۰۰۰ یورو می‌باشد و برای هر نفر که اضافه می‌شود ۹۰۰ یورو. [دقت شود: اینجا صحبت از ارزش مادی نزاع حقوقی است و نه دستمزد وکیل].

بر این اساس وکیل می‌تواند ۱،۳ کارمزد مذاکره (Verhandlungsgebühr) (یعنی ۱،۳ برابر کارمزد پایه‌ای که قانون نامبرده تعیین نموده) و همچنین ۱،۲ کارمزد شرکت در جلسه دادگاه (Termingebühr) به انضمام هزینه‌های صرف شده برای مکاتبات، پست و ارتباطات (تلفن، فاکس، ...)، هزینه بلیط، جریمه تأخیر در پرداخت و همچنین مالیات بر فروش را از پناهجو طلب نماید. چنانکه وکیل در دادرسی قبلی (یعنی در مرحله ارائه درخواست پناهندگی به اداره پناهندگی) نیز وکالت پناهجو را بر عهده داشته است، وجوهی که پرداخت گردیده نیز بخشاً حساب می‌گردد. Termingebühr زمانی پرداخت می‌شود که وکیل در جلسه دادگاه حاضر شده باشد. مثال: وکیل «الف» از کلن وکالت آقای «ب» را در دادگاه اداری کلن در جریان پناهندگی برعهده دارد. وکیل «الف» وکالت «ب» را در اداره پناهندگی نیز برعهده داشته است. در این حالت کارمزدهایی که پناهجو برای پروسه دادگاهی به وکیل پردازد به ترتیب ذیل می‌باشند:

۱،۳ کارمزد دادرسی	۲۴۵،۷۰ یورو
۱،۲ کارمزد حاضر شدن در دادگاه	۲۲۶،۸۰ یورو
منهای مبالغی که برای پروسه پناهندگی در مرحله اداره پناهندگی پرداخت شده‌اند	۱۲۲،۸۵ یورو -
هزینه‌های پستی (کلی و تخمینی)	۲۰،۰۰ یورو
هزینه‌های دفتر (برای کپی‌ها)	۳۰،۰۰ یورو
۱۶ درصد مالیات بر ارزش افزوده	۶۰،۷۵ یورو
جمع	۴۴۰،۳۹ یورو

اگر کمک هزینه دادرسی (Portesskostenhilfe) درخواست شود، ضمیمه فرم تقاضانامه مربوطه که معمولاً وکیل در اختیار پناهجو قرار می‌دهد، حاوی اطلاعاتی در این مورد می‌باشد که چه مدارکی (چون گواهی یا فیش در آمد، قرارداد خانه، سررسید جدید بانکی و غیره) باید ضمیمه تقاضا شوند.

چنانچه پناهجو به کلی و یا بخشاً دادگاه را ببازد، اداره پناهندگی در این اواخر یک هزینه کلی به میزان ۲۰ یورو طلب می‌کند. اما اگر وی پروسه دادگاهی را ببرد، وکیل کارمزدهای خود را بر طبق قانون کارمزد وکلای حقوقی از دولت دریافت می‌کند. چنانچه دادگاه تنها بخشی از اعتراض وی را بپذیرد، آن هنگام در حکم نرخی را تعیین می‌کند که بر طبق آن هزینه‌ها تقسیم می‌شوند.

پنج: پس از مذاکرات شفاهی دادگاه چه اتفاقی خواهد افتاد؟

چنانچه مذاکره شفاهی دادگاه بسته و تمام شود، تنها زمانی می‌تواند مجدداً گشایش یابد که حکمی صادر نشده باشد و یک مسئله نو و مهم مطرح شود، طوری که این مسئله تأثیر مهمی بر روند و نتیجه دادگاهی داشته باشد.

در غیر اینصورت وکیل پس از دریافت حکم کامل دادگاه با پناهجو در این مورد صحبت خواهد کرد که چه عکس‌العملی در مقابل حکم دادگاه داشته باشند. چنانچه حکم مثبت باشد، باید منتظر ماند که آیا اداره پناهندگی بر علیه این حکم درخواست اجازه گشایش دادگاه استیناف و تجدیدنظر را خواهد نمود. اگر اداره مزبور این کار را نکند، باید حکم جدیدی را بر اساس حکم دادگاه صادر کند و آنرا با یک ابلاغیه اختتامی برای پناهجو بفرستد. پناهجو هم می‌تواند با این مدارک به اداره خارجیان منطقه خود برود و درخواست صدور اجازه اقامت را بنماید.

اما اگر حکم دادگاه منفی باشد، باید روی این امر تأمل شود که آیا پناهجو می‌خواهد بر علیه آن اعتراض و درخواست صدور اجازه برای تشکیل دادگاه استیناف را بکند. وی قبل از اینکه این کار را بکند باید بداند که همچون درخواستی تابع و بستگی به وجود شرایط و دلایل ذیل می‌باشد:

- اهمیت اصولی [اهمیت تصمیم‌گیری در این مورد و تأثیر آن بر موارد بعدی]
- دوگانگی (تفاوت این حکم با احکامی که دادگاههای مافوق، دادگاه فدرال اداری یا دادگاه قانون اساسی فدرال داده‌اند) و
- اشتباهات فنی دادرسی، به ویژه زیر پا گذاشتن حق استماع قانونی.

اما برعکس، شکهای جدی در مورد درستی حکم و به ویژه مشکلات واقعی و حقوقی مسئله بعنوان دلایلی جهت صدور اجازه گشایش دادگاه استیناف به رسمیت شناخته نمی‌شوند.